

٠٩٢١٩١٠١٨٦٨

تهیه و تنظیم: میلاد عیوضی سرگروه عربی استان اردبیل



الدَّرْسُ السَّادِسُ

مَرَقَدُ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مرقد امام حسین



الدَّرْسُ السَّادِسُ

الْمُعْجَم: (۲۳ کلمه جدید)

أربع: چهار
ثلاثين: سی

کاروان	قافِلَة	سی و چهار	أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ
تنیس روی میز	كُرَةُ الْمِنْضَدَةِ	چهل	أَرْبَعُونَ، أَرْبَعِينَ
دارد، برای «لِهَذِهِ الْأُسْرَةِ: این خانواده دارد.»	لِـ	دستور داد دستور می دهد	مَاضِي مضارع أَمَرَ يَأْمُرُ
یذهب: می رود لا یذهب: نمی رود	لا	یکم، نخستین «مُوْنِثِ الْأَوَّلِ»	عدد ترتیبی الْأَوَّلَى
حرف نفی مضارع	ما بِكَ	قرصهای مسکن «مفرد حُبُوب: حَبْ» قرص	ج مکسر حُبُوب مُسَكِّنَة
تو را چه می شود؟	مَرَضُ السُّكَّرِ	انگشت	خَاتَم
بیماری قند	مَسَاء	سفر کرد سفر می کند	مَاضِي مضارع سَافَرَ يُسَافِرُ
شب، بعد از ظهر	مُسْتَوَصَف	سفر، گردش	سَفَرَة
درمانگاه	مَعًا	شربت، نوشیدنی	شَرَاب
«جمع: مُسْتَوَصَفَات» درمانگاه ها	وَصْفَة	سردرد	صُدَاع
با هم	يَخْفَى	فشار خون	فَشَار خُون صَغْطُ الدَّمِ
نسخه	هواپیما	طائرة	طَائِرَة
پنهان می ماند			

طائر: پرنده

در سفر فِي السَّفَرِ

سافرت أُسْرَةُ السَّيِّدِ فَتَّاحِي مِنْ كِرْمَانٍ إِلَى الْعِرَاقِ فِي قَافِلَةٍ الزُّوَارِ لِمِيزَارَةِ الْمَدِينِ
مسافرت کرد خانواده آقای فتاحی از کرمان به سوی عراق در کاروان زائران برای زیارت کردن شهرهای
المُقدَّسة: الْحَجَفِ الْأَشْرَفِ وَ كَرِبَلَاءَ وَ الْكَاطِمِيَّةِ وَ سَامَرَاءَ.
مقدس: نجف اشرف، کربلا، کاظمین و سامرا

هَمَّ سافروا فِي الْمَرَّةِ الْأُولَى بِالطَّائِرَةِ وَ فِي الْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ بِالْحَافِلَةِ. السَّيِّدُ فَتَّاحِي
آنها بار اول به هواپیما مسافرت کردند و بار دوم با اتوبوس
مَوْظَفَ وَ زَوْجَتَهُ مُمَرَّضَةً. لِهَذِهِ الْأُسْرَةِ سِتَّةُ أَوْلَادٍ.
کارمند و همسرش پرستار است این خانواده شش فرزند دارد

جَوَارٌ بَيْنَ الْأُسْرَةِ كَفَتَكُوِي مِيَانِ خَانَوَادِه

السَّيِّدُ فَتَّاحِي: أَيْنَ تَذْهَبُونَ يَا أَوْلَادِي؟
آقای فتاحی: کجا می روید ای پسرانم؟

الأولاد: نَذْهَبُ لِمِيزَارَةِ مَرْقَدِ الْإِمَامِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.
پسران: برای زیارت مرقد امام حسین می رویم

السَّيِّدُ فَتَّاحِي: أَيْنَ تَذْهَبْنَ يَا بَنَاتِي؟
آقای فتاحی: کجا می روید ای دخترانم؟

أَحَدُ الْأَوْلَادِ: أَيْنَ تَذْهَبَانِ يَا أَبِي وَ يَا أُمِّي؟
یکی از پسران (فرزندان): کجا می روید ای پدرم و ای مادرم؟

- مِنَ الْمَرِيضِ؟
چه کسی مریض است؟
- أُمُّكُمْ تَشْعُرُ بِالصُّدَاعِ.
مادرتان احساس سردرد می کند



گفتگویی در درمانگاه حوارٌ في المُستوصفِ

الطَّيِّبُ: مَا اسْمُ الْمَرِيضِ؟
پزشک: اسم مریض چیست؟
الطَّيِّبُ: مَا بِي يَا سَيِّدَةُ فَاطِمَةَ؟
پزشک: تو را چه شده است ای فاطمه خانم؟
- كَمْ عُمْرُكَ؟
چند سال داری؟
- أَرْبَعُونَ سَنَةً.
چهل سال
- أَشْعُرُ بِالضُّدَاعِ فَقَطْ.
فقط احساس سردرد می کنم
- ماذا تَكْتُبُ لِي فِي الْوَصْفَةِ؟
چه چیزی می نویسی در نسخه؟

الطَّيِّبُ: مَا اسْمُ الْمَرِيضِ؟
پزشک: اسم مریض چیست؟
الطَّيِّبُ: مَا بِي يَا سَيِّدَةُ فَاطِمَةَ؟
پزشک: تو را چه شده است ای فاطمه خانم؟
- كَمْ عُمْرُكَ؟
چند سال داری؟
- أَوْ ضَعُطُ الدَّمِ عِنْدَكَ أَمْ مَرَضُ السَّكَّرِ؟
آیا فشار خون داری یا مرض قند؟
- أَكْتُبُ لَكَ وَصْفَةً.
برایت نسخه ای می نویسم



- كَيْفَ الْإِسْتِفَادَةُ مِنْهُ؟
استفاده از آن‌ها چگونه است؟

- الْحُبُوبُ الْمُسَكَّنَةُ وَالشَّرَابُ.
قرص های آرامبخش و شربت
- ثَلَاثَةٌ حُبُوبٌ فِي كُلِّ يَوْمٍ:
سه قرص در هر روز
صَبَاحًا وَظَهْرًا وَمَسَاءً
صبح و ظهر و شب
وَالشَّرَابُ مَرَّتَيْنِ فِي كُلِّ يَوْمٍ.
و شربت ، دوبار در هر روز

فعل مضارع (دوم شخص جمع) ← **أَنْتُمْ** + سه حرف اصلی فعل + **وَنَ** شما می روید (ج مذکر)
 ← **أَنْتُنَّ** + سه حرف اصلی فعل + **نَ** شما می روید (ج مؤنث)
 ← **أَنْتُمَا** + سه حرف اصلی فعل + **اِ** شما می روید (مثنی)

فعل مضارع

انجام می دهید انجام می دهید انجام می دهید

الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ ← **(تَفْعَلُونَ، تَفْعَلْنَ، تَفْعَلَانِ)**



هَلْ تَعْرِفُونَ هَذَا الْمُجَاهِدَ؟
نَعَمْ؛ نَعْرِفُهُ. هُوَ الشَّهِيدُ مُوسَى.

آیا این رزمنده را می شناسید؟
بله او را می شناسیم او شهید موسوی است

يَا رِجَالُ، مَاذَا تَأْكُلُونَ؟

نَأْكُلُ طَعَامَ الْإِفْطَارِ.

ای مردان چه چیزی می خورید؟
غذای افطار می خوریم



أَيْنَ تَقْرَأُ الْكِتَابَ؟

نَقْرَأُهُ فِي الْمَكْتَبَةِ.

کجا کتاب می خوانید؟
آن را در کتابخانه می خوانیم

يَا نِسَاءُ، مَاذَا تَأْكُلْنَ؟

نَأْكُلُ طَعَامَ الْإِفْطَارِ.

ای زنان، چه چیزی می خورید؟
غذای افطار می خوریم

۱. شهید سیدکاظم موسوی، نویسنده کتابهای عربی پیش از انقلاب اسلامی و آغاز آن.





أَيُّهَا الْبَنَاتِ، ماذا تَفْعَلَانِ؟
نَرْجِعُ إِلَى بَيْتِنَا مَعًا.
ای دو دختر، چه کار می کنید؟
باهم به خانه مان برمی گردیم



أَيُّهَا الْوَلَدَانِ، ماذا تَفْعَلَانِ؟
نَلْعَبُ مَعًا.
ای دو پسر، چه کار می کنید؟
باهم بازی می کنیم



يا طِفْلَانِ، إِلَى أَيْنَ تَذْهَبَانِ؟
نَذْهَبُ إِلَى بَيْتِ جَدَّتِنَا.
ای دو کودک، به کجا می روید؟
به خانه مادر بزرگمان می رویم



أَيُّهَا الْأُسْرَةُ، ماذا تَعْمَلُونَ؟
نَزْرَعُ فِي مَزْرَعَتِنَا.
ای خانواده، چه کار می کنید؟
در مزرعه مان می کاریم (کشاورزی می کنیم)

۱. هنگامی که در جمله ای مذکر و مؤنث با هم هستند، اجزای جمله مانند اسم اشاره، فعل و ضمیر مذکر می شوند؛ زیرا مذکر می تواند میان مذکر و مؤنث مشترک باشد؛ اما مؤنث تنها برای مؤنث است.

به مقایسه فعل های عربی و فارسی زیر توجه کنید.

فعل ماضی	ترجمه	فعل مضارع	ترجمه
أَنْتُمْ فَعَلْتُمْ	دوم شخص جمع (جمع مذکر مخاطب)	أَنْتُمْ تَفْعَلُونَ	دوم شخص جمع (جمع مذکر مخاطب)
أَنْتُنَّ فَعَلْتُنَّ	دوم شخص جمع (جمع مؤنث مخاطب)	أَنْتُنَّ تَفْعَلْنَ	دوم شخص جمع (جمع مؤنث مخاطب)
أَنْتُمَا فَعَلْتُمَا	دوم شخص جمع (مثنی مذکر مخاطب)	أَنْتُمَا تَفْعَلَانِ	دوم شخص جمع (مثنی مذکر مخاطب)
			دوم شخص جمع (مثنی مؤنث مخاطب)

شما انجام
می دهید.

شما انجام
دادید.

چرا ترجمه سه فعل عربی در فارسی فقط یک فعل است؟

۱. در پاسخ به کلمه پرسشی «لِمَاذَا» می‌توانیم با «لِأَنَّ: برای اینکه» یا «ل: برای» شروع کنیم؛ مثال:



لِمَاذَا تَكْتُبَانِ دَرَسْکَمَا خَارِجَ الْغُرْفَةِ؟
لِأَنَّ الْجَوَّ لَطِيفٌ جِدًّا.

برای چه درستان را بیرون از خانه می نویسید؟
زیرا هوا خیلی خوب است؟

لِمَاذَا تَنْظُرُ إِلَى الْبَعِيدِ؟
لِأَنِّي أَبْحَثُ عَنْ هُدًى.

برای چه به دور نگاه می کنی؟
زیرا من دنبال هدیه می گردم

اکنون جمله‌های زیر را ترجمه کنید.



لِمَاذَا ذَهَبْتَ إِلَى السُّوقِ؟
ذَهَبْتُ لِشِرَاءِ خَاتَمٍ ذَهَبِيّ.

برای چه به بازار رفتی؟
برای خریدن انگشتری طلایی رفتم

لِمَاذَا أَنْتُمْ مَسْرُورُونَ؟
لِأَنَّنا نَاجِحُونَ فِي الْمُسَابَقَةِ.

برای چه شما خوشحال هستید؟
زیرا ما در مسابقه موفق شدیم

منفی کننده فعل ماضی ← ما ذَهَبَ (ترفت)

منفی کننده فعل مضارع ← ما يَعْلَمُ (نمی داند)

لا ← منفی کننده فعل مضارع ← لا يَعْلَمُ (نمی داند)

۲. حرف «لا» غالباً فعل مضارع را منفی می کند؛ مثال:

أَنَا لَا أَكْذِبُ. من دروغ نمی گویم.

گاهی حرف «ما» افزون بر فعل ماضی، فعل مضارع را نیز منفی می کند؛ مانند:

مَا يَعْلَمُ: نمی داند

اکنون جمله های زیر را ترجمه کنید.

پنهان نمی باشد بر خداوند هر چیزی که در زمین و در آسمان است

وَمَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ ﴿٣٨﴾

إبراهیم: ۳۸

لِمَاذَا لَا تَكْتَبِينَ؟ واجباتك؟ برای چه تکالیفت را نمی نویسی

أَنْتَ لَا تَظْلِمُ النَّاسَ. تو ظلم نمی کنی بر مردم

الْتَّمَارِين

۱. الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

با مراجعه به متن درس، جمله درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست



۱. ما كَتَبَ الطَّبِيبُ لِلسَّيِّدَةِ فَاطِمَةَ حُبُوباً فِي الوَصْفَةِ.

دکتر برای فاطمه خانم قرص هایی در نسخه نوشت



۲. سافَرْتُ أَسْرَهُ السَّيِّدِ فَتَاحِي إِلَى الْعِرَاقِ.

خانواده آقای فتاحی به عراق سفر نکرد



۳. السَّيِّدَةُ فَاطِمَةُ فِي سَنِ السَّبْعِينَ.

فاطمه خانم در چهل سالگی است



۴. هَذِهِ الْأَسْرَةُ مِنْ إِيْرَانْشَهْرٍ.

این خانواده از ایران شهر است



۵. الْأَسِيدُ فَتَاحِي حَدَادٌ.

آقای فتاحی آهنگر است

٢ التَّمْرِينُ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



ماذا تَلْعَبْنَ؟

نَلْعَبُ كُرَّةَ الْمِنْضَدَةِ.

چه چیزی بازی می‌کنید؟

تنیس بازی می‌کنیم

أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟

نَذْهَبُ فَوْقَ الْجَبَلِ.

کجا می‌روید؟

بالای کوه می‌رویم



يَا وَلَدَانِ، إِلَى أَيْنَ سَتَذْهَبَانِ؟

سَتَذْهَبُ إِلَى النَّهْرِ بَعْدَ دَقَائِقَ.

ای دو پسر به کجا خواهید رفت

بعد از دقایقی به سوی رودخانه خواهیم رفت

يَا بِنْتَانِ، ماذا تَفْعَلَانِ؟

نَأْخُذُ كِتَابَيْنِ مِنَ الْمَكْتَبَةِ.

ای دو دختر چه کار می‌کنید؟

از کتاب‌خانه دو کتاب می‌گیریم



۳ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل‌های مضارع خط بکشید.

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ﴾ التَّحْلُ: ۹۰

خداوند به عدل و احسان فرمان می‌دهد

۲. ﴿أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ﴾ الْوَاقِعَةُ: ۶۸

آیا نگاه کرده اید به آبی که می‌نوشید؟

۳. ﴿أَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ﴾ الْوَاقِعَةُ: ۵۹

آیا شما می‌آفرینید آن را یا ما آفریننده آن هستیم؟

۴. أَيُّهَا الْمَلَاحُونَ، أَلَا تَجْمَعُونَ الْفَوَاكِهَ لِلْبَيْعِ؟

ای کشاورزان! آیا میوه‌ها را برای فروش جمع نمی‌کنید؟

۵. يَا زَمِيلَاتِي، إِلَى أَيْنَ تَذْهَبْنَ بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ؟

ای همکلاسی‌هایم بعد دو هفته به کجا می‌روید؟

۴ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

ترجمه کنید.

انتما	تَكْذِبَانِ	دروغ می‌گویید	لَا تَكْذِبَانِ	دروغ نمی‌گویید
أنا	مَا نَدِمْتُ	پشیمان نشدم	لَا أَدْنَمُ	پشیمان نمی‌شوم
أنت	مَا حَزَنْتَ	غمگین نشدی	لَا تَحْزَنْ	غمگین نمی‌شوی
انتن	شَرَحْتَنَ	شرح دادید	مَا شَرَحْتَنَ	شرح ندادید

انتم	تَخْدِمُونَ	خدمت می کنید	لا تَخْدِمُونَ	خدمت نمی کنید
انتما	رَحِمْتُمَا	رحم کردید	تَرَحَّمَانِ	رحم می کنید
نحن	عَمِلْنَا	کار کردیم	سَوْفَ نَعْمَلُ	کار خواهیم کرد
انت	فَرِحْتَ	شاد شدی	تَفْرَحِينَ	شاد می شوی

۵ التَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- أَأَنْتُمْ مَلَايَسَكُمُ أَمْسَ؟
آیا شما شستید لباسهایتان را دیروز؟
- أَتَيْتَهَا الْبَنَاتَانِ، هَلْ الطَّعَامَ؟
ای دو دختر، آیا می پزید غذا را؟
- مَاذَا تَفْعَلُ؟ عَنْ مِفْتَاحِ الْغُرْفَةِ.
چه کار می کنی؟ می گردم دنبال کلید اتاق.
- أَتَفْهَمُ الدَّرْسَ؟ - نَعَمْ؛ الدَّرْسَ سَهْلًا.
آیا درس را می فهمید؟ بله می فهمیم درس را آسان.
- أَيْنَ تَذْهَبُونَ؟ إِلَى مُنْظَمَةِ الْحَجِّ وَالزِّيَارَةِ.
کجا می روید؟ می رویم به سازمان حج و زیارت.

۶ التَّمَرِينُ السَّادِسُ:

در گروه های دو نفره مکالمه کنید.

مَرَّتَيْنِ (دوبار)	۱. كَمْ مَرَّةً سَافَرْتَ (سَافَرْتُ) إِلَى كَرْبَلَاءَ؟ چند بار به كربلا سفر کردی؟
لِزِيَارَةِ (برای زیارت کردن)	۲. لِمَاذَا تَذْهَبُ (تَذْهَبِينَ) إِلَى مَكَّةَ؟ برای چه به مکه می روی؟
نَعَمْ أَعْرِفُ (بله می دانم)	۳. هَلْ تَعْرِفُ (تَعْرِفِينَ) اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ؟ آیا زبان عربی می دانی؟
أَرْبَعَةَ (چهار)	۴. كَمْ عَدَدُ أَفْرَادٍ أَسْرَتِكَ (أَسْرَتِكَ)؟ تعداد افراد خانواده ات چندتا است؟
الْقَلَمُ وَالْكِتَابُ	۵. مَاذَا فِي حَقِيبَتِكَ (حَقِيبَتِكَ)؟ چه چیزی در کیف است؟

ساختار درس دوم تا ششم

عربی	فارسی	عربی	فارسی
أَنَا أَفْرَحُ.	من شاد می شوم.	نَحْنُ نَفْرَحُ.	ما شاد می شویم.
أَنْتِ تَفْرَحِينَ.	تو شاد می شوی.	أَنْتُمْ تَفْرَحُونَ.	شما شاد می شوید.
هِيَ تَفْرَحُ.	او شاد می شود.	أَنْتُمْ تَفْرَحُونَ.	درس ۸ و ۹

نور السَّمَاءِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. ﴿... لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبُ﴾ الْآنْعَام: ۵۰

به شما نمی گویم که گنجینه های خداوند نزد من است و غیب را نمی دانم

۲. ﴿... يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ آلْعَنْ: ۳۰

خداوند مثال هایی برای مردم می زند و خداوند بر همه چیز داناست

۳. ﴿... وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾ الْبَقَرَة: ۲۱۶

و خداوند می داند در حالی که شما نمی دانید

اَلْقُرْآنَات

بخوانید و ترجمه کنید.



۱. مَنْ هِيَ الْمَرْأَةُ الَّتِي جَاءَ اسْمُهَا فِي

الْقُرْآنِ؟ وَ كَمْ مَرَّةً جَاءَ اسْمُهَا؟

زنی که اسمش در قرآن آمده چه کسی است؟؟

و چند بار اسمش آمده است؟

- هِيَ مَرْيَمُ بِنْتُ عِمْرَانَ، جَاءَ اسْمُهَا فِي

الْقُرْآنِ أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ مَرَّةً.

او مریم دختر عمران است، اسمش در قرآن 34 بار آمده است



۲. مَا هِيَ الْآيَاتُ الْأُولَى الَّتِي نَزَلَتْ عَلَى

النَّبِيِّ ﷺ؟

اولین آیاتی که بر پیامبر نازل شد چیست؟

- الْآيَاتُ الْأُولَى مِنْ سُورَةِ «الْعَلَق».

اولین آیات از سوره علق است



۳. مَنْ هُوَ أَوَّلُ نَبِيٍّ كَتَبَ بِالْقَلَمِ؟

اولین پیامبری که با قلم نوشت چه کسی است؟

- هُوَ النَّبِيُّ إِدْرِيسُ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

او پیامبر ادريس است

۱. طرح سؤال امتحانی مشابه «أَرْبَعًا وَ ثَلَاثِينَ» از اهداف کتاب درسی نیست.

شما هم به بزرگترین و تخصصی ترین کانال عربی متوسطه اول در تلگرام پیوندید



Arabi_7_8_9

کانال عربی متوسطه عیوضی

الدَّرْسُ السَّابِعُ

اَلْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۴ کلمه جدید)

جمع مکسر آباء	پدران «مفرد: أب»	ماضی مضارع صَحَّكَ يَصْحَكُ	خندید می‌خندد ≠ بکی / بیکی
إِضَاعَة	تلف کردن	طائر	پرنده طائره: هواپیما
أَلَا	هان، آگاه باش	عِنْدَمَا	وقتی که عندما ≠ لَمَّا
ماضی مضارع جَلَبَ يَجْلِبُ	آورد می‌آورد	غَابَة	جنگل
حَطَب	هیزم	جمع مکسر غِزْلَان	آهوها «مفرد: غَزَال»
حَمَامَة	کبوتر	فَرَح	شادی فرح ≠ الحزن فرح = سرور
جمع مکسر حَوَائِج	نیازها «مفرد: حَاجَة»	فَرَح	جوجه «جمع: فِرَاح» جوجه ها
جمع مکسر ذِنَاب	گرگها «مفرد: ذِئْب»	كَمَا	همان طور که
عدد ترتیبی اَلرَّابِع، اَلرَّابِعَة	چهارم	مُسْتَشْفَى	بیمارستان ها بیمارستان «جمع: مُسْتَشْفَيَات»
رَحِمَ اللّٰهُ وَالِدَيْكَ	خدا پدر و مادرت را بیامرزد!	نَصْر	یاری
صَارَتْ عَلَيْكُمْ زَحْمَة	برایتان زحمت شد	ماضی مضارع هَجَمَ يَهْجُمُ	حمله کرد حمله می‌کند
صَيْدِيَّة	داروخانه	ماضی مضارع يَسَّ يَيْسُّ	ناامید شد ناامید می‌شود

﴿... أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ...﴾

زمین خدا پهناور است



كَانَتْ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْغَزَالِ فِي غَابَةِ بَيْنَ
الْجِبَالِ وَالْأَنْهَارِ.

گروهی از آهوها در جنگلی میان کوه ها و رودها بودند



فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ هَجَمَتْ خَمْسَةُ ذئابٍ
عَلَى الْغَزَالِ.

و ...

در روزی از روزها پنج گرگ به آهوها حمله کردند

و ...



الْغَزَالُ الْأَوَّلُ: إِلَهِي، مَاذَا نَفَعَلُ؟

آهوی اول خدایا، چه کار کنم؟

الْغَزَالُ الثَّانِي: لَا تَقْدِرْ عَلَى الدَّفَاعِ.

آهوی دوم قادر به دفاع کردن نمی باشم (نمی توانم دفاع کنیم)

قَالَتْ غَزَالَةٌ صَغِيرَةٌ فِي نَفْسِهَا:

آهوی کوچکی با خودش گفت:

«مَا هُوَ الْحَلُّ؟ عَلَى بَالْتَّفَكُّرِ. سَأَنْجِجُ».

راه حل چیست؟ باید فکر کنم. موفق خواهم شد

الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ عَصْفُورًا؛ فَسَأَلَتْهُ:

آهوی کوچکی گنجشکی را دید پس از او پرسید:

«هَلْ خَلَفَ تِلْكَ الْجِبَالَ عَالَمٌ آخَرُ؟»

آیا پشت آن کوه ها دنیای دیگری است؟

أَجَابَ الْعَصْفُورُ: «لَا».

گنجشک جواب داد: نه



الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ مَا بَيَّسَتْ فَشَاهَدَتْ

آهوی کوچک نیا امید نشد پس دید
حَمَامَةً وَ سَأَلَتْهَا:

کبوتری را و از او پرسید

«يَا أُمَّ الْفَرَّخِينَ،

ای مادر جوجه ها (دوجوجه)

هَلْ وَرَاءَ تِلْكَ الْجِبَالِ عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟»

آیا پشت آن کوه ها دنیای دیگری بغیر از دنیای ما است؟

سَمِعَتْ مِنْهَا نَفْسَ الْجَوَابِ.

از او هم همان جواب را شنید (یا)

الْغَزَالَةُ شَاهَدَتْ هَدُودًا وَ سَأَلَتْهَا:

آهو هدهدی را دید و از او پرسید

«هَلْ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمٌ غَيْرُ عَالَمِنَا؟»

آیا پشت کوه ها دنیای دیگری بغیر از دنیای ما است؟

أَجَابَ الْهَدُودُ: «نَعَمْ».

هدهد جواب داد: بله

فَصَعَدَتْ الْغَزَالَةُ الْجَبَلَ الْمُرْتَفِعَ وَ وَصَلَتْ فَوْقَهُ فَشَاهَدَتْ غَابَةً وَاسِعَةً، ثُمَّ

پس آهو از کوه های بلند بالا رفت و بالایش رسید پس دید جنگل پهناوری را. سپس

رَجَعَتْ وَ قَالَتْ لِأَبَاءِ الْغَزَلَانِ:

برگشت و به پدران آهو ها گفت:

«أَتَعْرِفُونَ أَنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟!»

آیا میدانید که پشت کوه ها دنیای دیگری است؟

وَ قَالَتْ لِلْأُمّهَاتِ الْغَزَلَانِ:

و به مادران آهو ها گفت:

«أَتَعْرِفْنَ أَنَّ خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمًا آخَرَ؟!»

آیا میدانید که پشت کوه ها دنیای دیگری است؟

فَقَالَ الْغَزَالُ الْأَوَّلُ بَعْضُ:

پس آهوی اول با عصبانیت گفت:

كَيْفَ تَقُولِينَ هَذَا الْكَلَامَ؟!

چطور این سخن را می گویی؟

وَ قَالَ الْغَزَالُ الثَّانِي:

و آهوی دوم گفت:

كَأَنَّكَ مَجْنُونَةٌ!

گویى تو دیوانه شدى

وَ قَالَ الْغَزَالُ الثَّالِثُ:

و آهوی سوم گفت:

مَنْ تَكْذِبُ.

او دروغ می گوید.

وَ قَالَتْ الْغَزَالَةُ الرَّابِعَةُ: أَنْتَ تَكْذِبِينَ.

و آهوی چهارم گفت: تو دروغ می گویی

قَطَعَ رَئِيسُ الْغَزَلَانِ كَلَامَهُمْ وَ قَالَ:

رئیس آهو ها سخنان را قطع کرد و گفت:



«هِيَ صَادِقَةٌ. هِيَ لَا تَكْذِبُ؛ عِنْدَمَا كُنْتُ صَغِيرًا؛ قَالَ لِي طَائِرٌ عَاقِلٌ:
 او راستگو است (راست می گوید) دروغ نمیگوید. زمانی که کوچک بودم پرنده عاقلی به من گفت:
 خَلْفَ الْجِبَالِ عَالَمٌ آخَرٌ وَ قُلْتُ ذَلِكَ لِرَئِيسِنَا؛ لَكِنَّهُ مَا قَبِلَ كَلَامِي وَ ضَحِكَ.
 پشت کوه ها دنیای دیگری است و من آن را به رئیسمان گفتم، اما او سخنم را قبول نکرد و خندید
 کَمَا تَعْرِفُونَ أَنَا أَطْلُبُ صَلَاحَكُمْ دَائِمًا؛ فَعَلَيْنَا بِالْمُهَاجَرَةِ.»
 همانطور که می دانید من همیشه صلاحتان را می خواهم پس ما باید مهاجرت کنیم
 صَعِدَ الْجَمِيعُ الْجَبَلَ وَ وَجَدُوا عَالَمًا جَدِيدًا وَ فَرَحُوا كَثِيرًا.
 همگی از کوه بالا رفتند و دنیای جدیدی را یافتند و بسیار خوشحال شدند

Arabi_7_8_9

کانال عربی متوسطه عیوضی



فعل مضارع

انجام می دهید انجام می دهید انجام می دهید
الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ (تَفْعَلُونَ، تَفْعَلْنَ، تَفْعَلَانِ)



- آيَتَهَا الطَّالِبَاتُ، ماذا تَفْعَلْنَ؟

- نَصْنَعُ بَيْتًا خَشِيبًا.

ای دانش آموزان، چه کار می کنید؟

خانه چوبی را می سازیم

- آيُهَا الرِّجَالُ، آيَنَ تَذْهَبُونَ؟

- نَذْهَبُ إِلَى الْحُدُودِ لِلدَّفَاعِ عَنِ الْوَطَنِ.

ای مردان، کجا می روید؟

می رویم به سوی مرزها برای دفاع از وطن



- آيَتَهَا الْمَرْأَتَانِ،

إِلَى آيَنَ تَذْهَبَانِ؟

- نَذْهَبُ إِلَى عَيْنِ الْمَاءِ.

ای زنهای (دو زن)

به کجا می روید؟

به سوی چشمه آب می رویم

- آيُهَا الزَّمِيلَانِ،

مَتَى تَلْعَبَانِ كُرَةَ الْمِنْضَدَةِ؟

- نَلْعَبُ بَعْدَ دَقِيقَةٍ.

ای همکلاسی ها (دو همکلاسی)

چه وقت تنیس بازی می کنید؟

بعد از یک دقیقه بازی می کنیم

در پاسخ به کلمه پرسشی «مَتَى: چه وقت» کلماتی می آیند که بر زمان دلالت دارند:
 امروز - فردا - صبح - عصر - شب - دو سال پیش - دو هفته بعد -
 الْيَوْمَ - أَمْسَ - غَدَ - صَبَاحَ - عَصْرَ - مَسَاءَ - لَيْلَ - قَبْلَ سَنَتَيْنِ - بَعْدَ أُسْبُوعَيْنِ -
 در ماه گذشته - در ماه آینده
 فِي الشَّهْرِ الْمَاضِي - فِي الشَّهْرِ الْقَادِمِ ...

مثال:

مَتَى وَصَلْتُمْ إِلَى الْفُنْدُقِ؟ قَبْلَ يَوْمَيْنِ.
 چه وقت به هتل رسیدید؟ دو روز پیش

ترجمه کنید.

مَتَى نَصَرَ اللَّهُ أَلَا إِنَّ نَصَرَ اللَّهِ قَرِيبٌ. الْبَقَرَةُ: ٢١٤

یاری خدا چه وقت است؟ بدانید که (همانا) یاری خدا نزدیک است.

در گروه های دو نفره مکالمه کنید.

در شب	فِي اللَّيْلِ	١. مَتَى تَكْتُبُ (تَكْتُبِينَ) وَاجِبَاتَكَ (وَاجِبَاتِكِ)? چه وقت (می) تکالیف را می نویسی؟
دو ساعت پیش	قَبْلَ سَاعَتَيْنِ	٢. مَتَى وَصَلْتَ (وَصَلْتِ) إِلَى الْمَدْرَسَةِ? چه وقت رسیدی به مدرسه؟
بعد یک ساعت	بَعْدَ سَاعَةٍ	٣. مَتَى تَخْرُجُ (تَخْرُجِينَ) مِنَ الْمَدْرَسَةِ? چه وقت خارج می شوی از مدرسه؟
در ماه آینده	فِي الشَّهْرِ الْقَادِمِ	٤. مَتَى تَرْجِعُ (تَرْجِعِينَ) إِلَى هُنَا? چه وقت به اینجا بر می گردی؟

در جمله زیر تصویر، فعل مفرد به کار رفته در حالی که انجام دهنده آن، اسم مثنی یا جمع است؛ در چنین جمله‌هایی فعل به صورت جمع ترجمه می شود؛ مثال:



تَعْمَلُ هاتانِ الْفَلَّاحَتَانِ فِي الْمَرْعَةِ.

این خانم‌های کشاورز در کشتزار **کار می کنند**.

جمله‌های زیر را با توجه به قاعده ذکر شده ترجمه کنید.

۱. **تَطْبُخُ** النِّسَاءُ طَعَامَ السَّفَرِ. **زنان غذای سفر را می پزند**.

۲. **رَجَعَتْ** أَخَوَاتِي مِنْ بَيْتِ جَدِّي. **خواهرانم از خانه پدر بزرگم برگشتند**.

۳. **يَخْرُجُ** اللَّاعِبَانِ مِنْ سَاحَةِ الْمُسَابَقَةِ. **دو بازیکن از میدان مسابقه خارج میشوند**.

الْتَّمَرِين

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

با مراجعه به متن درس جمله‌های درست و نادرست را معلوم کنید.

درست نادرست

- | | | |
|----------------------------------|----------------------------------|--|
| ☒ | ☐ | ۱. الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ شَاهَدَتْ خَلْفَ الْجَبَلِ بُيُوتَ الْفَلَاحِينَ.
آهوی کوچک پشت کوه خانه‌های کشاورزان را دید |
| ☐ | ☒ | ۲. قَبْلَ رَئِيسِ الْغَزَلَانِ كَلَامَ الْغَزَالَةِ الصَّغِيرَةِ.
رئیس آهوها سخن آهوی کوچک را قبول کرد |
| ☐ | ☒ | ۳. الْغَزَالَةُ الصَّغِيرَةُ قَالَتْ: «عَلَيَّ بِالْتَّفَكُّرِ».
آهوی کوچک گفت: من باید فکر کنم |
| ☒ | ☐ | ۴. سَأَلَتْ الْغَزَالَةُ الْهَدَّادَ أَوَّلَ مَرَّةٍ.
آهو بکر اول از هدهد پرسید |
| ☐ | ☒ | ۵. كَانَ عَدَدُ الذَّنَابِ خَمْسَةً.
تعداد گرگها پنج تا بود |

الْتَّمَرِينُ الثَّانِي:

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. ﴿لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ﴾ الْمُؤْمِنُونَ: ۱۹

در آن برای شما میوه‌های زیادی است و از آنها می‌خورید.

۲. ﴿قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا﴾ الْأَنْبِيَاءُ: ۵۹

گفتند: چه کسی این (کار) را با خدایان ما کرده است؟

۳. ﴿إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا﴾ الزُّحُرَفُ: ۳

به درستی که ما قرآن را عربی قرار دادیم.

۴. ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْفُ: ۴۹

و پروردگارت به کسی ظلم نمی‌کند

۳ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

مضارع منفی سوم شخص مفرد مونث

مضارع دوم شخص مفرد مذکر

۱. أَنْتِ تَعْرِفُ اللُّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ جَيِّدًا وَ أُخْتُكَ لَا تَعْرِفُهَا مِثْلَكَ.

تو زبان عربی را بخوبی می‌دانی و خواهرت آن را مانند تو نمی‌داند.

مضارع منفی دوم شخص مفرد مذکر

۲. زَمِيلُكَ لَيْسَ مَلَابِسَ خَرِيفِيَّةً؛ فَلِمَاذَا أَنْتِ لَا تَلْبَسُ؟

همکلاسیت لباسهای پاییزی پوشیده است پس برای چه تو نمی‌پوشی؟

مضارع دوم شخص مفرد مونث

۳. أَنْتِ شَعَرْتَ بِالْحُزْنِ أَمْسٍ وَ تَشْعُرِينَ بِالْفَرَحِ الْيَوْمَ.

تو دیروز احساس ناراحتی کردی و امروز احساس خوشحالی میکنی.

مضارع اول شخص مفرد (مستقبل) اول شخص مفرد

۴. أَنَا أَشْعُرُ بِالْصَّدَاعِ؛ سَأَذْهَبُ إِلَى الْمُسْتَوْصَفِ.

من احساس سردرد می‌کنم. به درمانگاه خواهم رفت.

۴ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

ترجمه کنید.

صَحَّكَتْ	خندیدم	أَصْحَكُ	می خندم
قَدَّفْتُ	انداختی	تَقْذِفِينَ	می اندازی
تَقَطَّعُ	می بُرد	لَا تَقْطَعُ	نمی برد
تَلَبَّسُونَ	می پوشید	لَبِسْتُمْ	پوشیدید
تَقْبَلَانِ	می پذیرید	لَا تَقْبَلَانِ	نمی پذیرید
تَنْصُرُ	یاری می کنی	لَا تَنْصُرُ	یاری نمی کنی
قَرَّبَ	نزدیک شد	يَقْرُبُ	نزدیک می شود
مَلَكْنَا	فرمانروایی کردیم	نَمْلِكُ	فرمانروایی میکنیم
عَسَلْتَنَ	شستید	سَتَغْسِلَنَّ	خواهید شست
يَفْهَمُ	می فهمد	سَوْفَ يَفْهَمُ	خواهد فهمید

گَنْزُ الْحِكْمَةِ

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. إِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ **كَمَا** تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. رسول الله ﷺ.

قطعا حسادت خوبیه را میخورد (از بین میبرد) همانطور که آتش هیزم را میخورد.

۲. إِنَّ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ. الإمام علیؑ

قطعا نیازهای مردم به شما نعمتی از خداست.

۳. الْأَمَانَةُ **تَجْلِبُ** الرِّزْقَ وَالْخِيَانَةُ تَجْلِبُ الْفَقْرَ. رسول الله ﷺ

امانت روزی را می آورد و خیانت فقر را می آورد.

۴. إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ يُحِبُّ الْجَمَالَ. رسول الله ﷺ

قطعا خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد.

۵. **إِضَاعَةُ** الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ. الإمام علیؑ

از دست دادن فرصت موجب غم و اندوه است.



أَيْنَ الْمُسْتَشْفَى؟ بیمارستان کجاست؟

الأول: أين مُسْتَشْفَى الإمام الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَام؟ بیمارستان امام حسن (ع) کجاست؟

الثاني: في ذَلِكَ الشَّارِعِ. در آن خیابان.

الأول: وَ هَلْ هُنَاكَ صَيْدَلِيَّةٌ قَرِيبَةً مِنَ الْمُسْتَشْفَى؟ و آیا آنجا، داروخانه ای نزدیک به بیمارستان است؟

الثاني: نَعَمْ؛ الْأَصِيدَلِيَّةُ فِي نَفْسِ الْمُسْتَشْفَى. بله، داروخانه در خود بیمارستان است

الأول: هَلِ الْمُسْتَشْفَى بَعِيدٌ؟ آیا بیمارستان دور است؟

الثاني: لَا؛ قَرِيبٌ. بَعْدَ كِيلُومَتَرَيْنِ تَقْرِيباً. نه نزدیک است تقریباً بعد دو کیلومتر

الأول: صَارَتْ عَلَيْكُمْ رَحْمَةٌ. برایتان رحمت شد

الثاني: لَا؛ لَيْسَتْ رَحْمَةً، بَلْ رَحْمَةٌ. نه رحمت نیست، بلکه رحمت است

الأول: رَحِمَ اللَّهُ وَالِدَيْكَ! خدا پدر و مادرت را بیامرزد

الثاني: وَ وَالِدَيْكَ! و همچنین پدر و مادر تورا





الدَّرْسُ الثَّامِنُ

درس هشتم

تَخْرُجُ عُصْفُورَةٌ مِنْ عَشْوَاهَا فِي مَزْرَعَةٍ كَبِيرَةٍ.

گنجشکی در مزرعه بزرگی از لانه اش خارج می شود



الدَّرْسُ الثَّامِنُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۱۴ کلمه جدید)

جمع مکسر	أَقْرَبَاءُ	خویشاوندان «مفرد: قَرِيب»	نزدیک
فعل مضارع	تَسْأَلُ فِرَاحَهَا	از جوجه هایش می پرسد	
ماضی مضارع	يَحْدُثُ	اتفاق افتاد اتفاق می افتد	
ماضی مضارع	يَحْضُرُ	حاضر شد حاضر می شود	
	خَوْفٌ	ترس، ترسیدن	
	سَاجِدٌ	سجده کننده	فعل مضارع
	عِزَّةٌ	ارجمندی	
	عُشٌّ	لانه	
قَرِيبٌ ≠ بَعِيدٌ	قَمَحٌ	گندم	
	كُوكَبٌ	ستاره	
	مَائِدَةٌ	سفره غذا	
	نَهَارٌ	روز (روز هنگام)	لَیْلٌ ≠
	يَعْتَمِدُ	اعتماد می کند، تکیه می کند	
	الْإِعْتِمَادُ عَلَى النَّفْسِ	تکیه به خود	

الْإِعْتِمَادُ عَلَى النَّفْسِ



تَخْرُجُ عُصْفُورَةٌ مِنْ عُشِّهَا فِي مَزْرَعَةٍ
خارج می شود گنجشکی از لانه اش در مزرعه
كَبِيرَةٍ وَتَقُولُ لِفِرَاحِهَا:
بزرگی و به جوجه هایش می گوید:
«يَا فِرَاحِي، عَلَيْكَ بِمُرَاقَبَةِ حَرَكَاتِ صَاحِبِ
ای جوجه هایم شما باید مراقب حرکات صاحب
الْمَزْرَعَةِ. مَاذَا يَقُولُ وَ يَفْعَلُ».
مزرعه باشید چه می گوید و انجام می دهد
الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: صَاحِبُ الْمَزْرَعَةِ مَعَ جَارِهِ
جوجه اول: صاحب مزرعه با همسایه اش
يَذْهَبَانِ إِلَى شَجَرَتَيْنِ وَ يَجْلِسَانِ بَيْنَهُمَا.
به سوی دو درخت می روند و بین آن دو می نشینند
الْفَرْخُ الثَّانِي: زَوْجَةُ صَاحِبِ الْمَزْرَعَةِ وَ
جوجه دوم: همسر صاحب مزرعه و
جَارَتُهَا تَذْهَبَانِ إِلَى نَفْسِ الشَّجَرَتَيْنِ.
همسایه اش به سوی همان دو درخت می روند

الْفَرْخُ الثَّالِثُ: الْجِيرَانُ يَجْلِسُونَ عَلَى الْيَمِينِ.

جوجه سوم: همسایه ها (مذکر) در سمت راست می‌نشینند.

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: الْجَارَاتُ يَجْلِسْنَ عَلَى الْبَسَارِ.

جوجه اول: همسایه ها (مونث) در سمت چپ می‌نشینند.

الْفَرْخُ الثَّانِي: مَا الْخُبْرُ؟ مَاذَا يَفْعَلُونَ؟ أَهَذِهِ ضَيْافَةٌ؟

جوجه دوم: چه خبر است؟ چه کار می‌کنند؟ آیا این مهمانی است؟

الْفَرْخُ الثَّالِثُ: الْبَنَاءُ يَجْلِبْنَ الطَّعَامَ وَالْخُبْرَ وَ يَجْلِسْنَ جَنْبَ الْمَائِدَةِ.

جوجه سوم: زنان غذا و نان می‌آورند و کنار سفره می‌نشینند.

الْفَرْخُ الْأَوَّلُ: الرِّجَالُ يَجْمَعُونَ الْحَطَبَ وَيَجْلِبُونَ الْمَاءَ وَ بَعْدَ ذَلِكَ يَلْعَبُونَ.

جوجه اول: «مردان هیزم جمع می‌کنند و آب می‌آورند و بعد از آن بازی می‌کنند.

تَرْجِعُ الْأُمُّ وَ تَسْأَلُ فِرَاحًا: «مَاذَا حَدَّثَ؟»

مادر بر می‌گردد و از جوجه هایش می‌پرسد: چه اتفاق افتاده است؟

الْفَرْخُ الثَّانِي: صَاحِبُ الْمَزْرَعَةِ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنَ جِيرَانِهِ لِيَجْمَعَ الْقَمْحَ. عَلَيْنَا بِالْفِرَارِ.

جوجه دوم: صاحب مزرعه برای جمع کردن گندم از همسایگانش کمک خواسته است. باید فرار کنیم.

أُمُّ الْفِرَاحِ: لَا؛ نَحْنُ فِي أَمَانٍ فِي عَشَّتِنَا.

مادر جوجه ها: نه، در لانه ما در امان هستیم.

فِي الْيَوْمِ الثَّانِي تَخْرُجُ الْعَصْفُورَةُ مِنَ الْعُشِّ وَ تَقُولُ لِفِرَاحِهَا:

در روز دوم گنجشک از لانه خارج می‌شود و به جوجه هایش می‌گوید:



«عَلَيْنَا بِالْمُرَاقَبَةِ؛ إِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غُصَّةٌ».
شما باید مراقب باشید؛ از دست دادن فرصت باعث اندوه است
بَعْدَ رُجُوعِ الْأُمِّ قَالَ الْفَرَحُ الثَّالِثُ:

بعد از برگشتن مادر، جوجه سوم گفت:
«صَاحِبُ الْمَزْرَعَةِ طَلَبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ أَقْرَبَانِهِ لِيَجْمَعَ الْمَحْصُولَ. عَلَيْنَا بِالْفِرَارِ».
صاحب مزرعه برای جمع محصول از خویشاوندان کمک خواسته است باید فرار کنیم.
أُمُّ الْفَرَاخِ: نَحْنُ فِي أَمَانٍ.
مادر جوجه ها: ما در امانیم
فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ:

در روز سوم:
الْفَرَاخُ: سَمِعْنَا أَنَّ صَاحِبَ الْمَزْرَعَةِ يَقُولُ «سَابِدًا يَجْمَعُ الْقَمْحَ بِنَفْسِي غَدًا».
جوجه ها: شنیدیم که صاحب مزرعه می گفت (میگوید) فردا خودم جمع کردن گندم را شروع خواهم کرد.
خَافَتْ أُمُّ الْفَرَاخِ وَ قَالَتْ: «الآن عَلَيْنَا بِالْمُهَاجَرَةِ».
مادر جوجه ها ترسید و گفت: «بر ما واجب است که همین حالا مهاجرت کنیم
الْفَرَاخُ يُسْأَلْنَ أُمَّهُنَّ: «لِمَاذَا عَلَيْنَا بِالْمُهَاجَرَةِ؟! هُوَ وَحِيدٌ وَ بِلَا صَدِيقٍ».
جوجه ها از مادرشان می پرسند: چرا باید کوچ کنیم؟ او تنها و بدون دوست است.
الْأُمُّ: عِنْدَمَا يَعْتمدُ الْإِنْسَانُ عَلَى غَيْرِهِ لَا يَفْعَلُ شَيْئًا مُهِمًّا؛
مادر: وقتی که انسان به غیر از خود اعتماد می کند کار مهمی انجام نمی دهد
وَ عِنْدَمَا يَعْتمدُ عَلَى نَفْسِهِ يَقْدِرُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ.
و زمانی که به خودش اعتماد می کند قادر به هر چیزی می شود



هُمَّ يَذْهَبُونَ	أَنهـا مـى رـوند (ج مذكر)	هُنَّ يَذْهَبْنَ	أَنهـا مـى رـوند (ج مؤنث)	هُمَا يَذْهَبَانِ	أَنهـا مـى رـوند (مثنى مذكر)	هُمَا تَذْهَبَانِ	أَنهـا مـى رـوند (مثنى مؤنث)
هُمْ يَذْهَبُونَ	هُنَّ يَذْهَبْنَ	هُمَا يَذْهَبَانِ	هُمَا تَذْهَبَانِ	هُمْ يَذْهَبُونَ	هُنَّ يَذْهَبْنَ	هُمَا يَذْهَبَانِ	هُمَا تَذْهَبَانِ

أَلْفِعْلُ الْمُضَارِعُ ← (يَفْعَلُونَ، يَفْعَلْنَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ)
انجام می دهند انجام می دهند انجام می دهند انجام می دهند



ماذا يَرْفَعْنَ؟

هُنَّ يَرْفَعْنَ جَوَائِزَهُنَّ.

چه چیزی را بالا می برند؟

آنها جایزه هایشان را بالا می برند



ماذا يَفْعَلُونَ؟

هُمْ يَحْصِدُونَ الْقَمْحَ.

چه کار می کنند؟

آنها گندم درو می کنند



أَهُمَا تَكْتُبَانِ فِي الدَّفْتَرِ؟

لا؛ هُمَا تَنْظُرَانِ إِلَى صُورَتَيْنِ.

آیا آنها در دفتر می نویسند؟

نه آنها به عکس ها(دو عکس) نگاه می کنند



إِلَى أَيْنَ يَذْهَبَانِ؟

هُمَا يَذْهَبَانِ إِلَى بَيْتِهِمَا.

به کجا می روند؟

آنها به خانه شان می روند



به فعل‌های زیر توجه کنید.

(همه فعل‌ها، معادل سوم شخص جمع در زبان فارسی‌اند.)

ترجمه	فعل مضارع	ترجمه	فعل ماضی
	 هُمْ يَفْعَلُونَ (جمع مذکر غایب)		 هُمْ فَعَلُوا (جمع مذکر غایب)
	 هُنَّ يَفْعَلْنَ (جمع مؤنث غایب)	آنها انجام دادند.	 هُنَّ فَعَلْنَ (جمع مؤنث غایب)
آنها انجام می‌دهند.	 هُمَا يَفْعَلَانِ (مثنی مذکر غایب)		 هُمَا فَعَلَا (مثنی مذکر غایب)
	 هُمَا تَفْعَلَانِ (مثنی مؤنث غایب)		 هُمَا فَعَلَتَا (مثنی مؤنث غایب)

چرا ترجمه چهار فعل عربی در فارسی یک فعل است؟

زیرا در زبان فارسی مذکر و مؤنث یکی است و همچنین مثنی نداریم

به دو جمله زیر دقت کنید.

(الف) أَنْتُمْ تَعْمَلَانِ جَيِّدًا.

شما به خوبی کار می‌کنید.

(ب) هُمَا تَعْمَلَانِ جَيِّدًا.

آنها به خوبی کار می‌کنند.

از کجا بدانیم معنای «تَعْمَلَانِ» چیست؟

با توجه به ضمیر و کلمات همجوار فعل در جمله

با توجه به قاعده‌ای که خواندید؛ این جمله‌ها را ترجمه کنید.

۱. هَاتَانِ الْبُنْتَانِ تَكْتُبَانِ وَاجِبَهُمَا؛ أَنْتُمَا تَكْتُبَانِ أَيْضًا؟

این دو دختر تکلیفشان را می نویسند؛ آیا شما هم می نویسید؟

۲. هُمَا جَارَتَانِ نَظِيفَتَانِ. إِنَّهُمَا تَغْسِلَانِ سَاحَةَ الْبَيْتِ. أَنْتُمَا تَعْرِفَانِهِمَا؟

آن دو همسایه پاکیزه هستند. آن دو حیاط خانه را می شویند. آیا شما هم آن دو را می شناسید؟

التَّمارين

الْتَّمَرِينُ الْأَوَّلُ:

با مراجعه به متن درس پاسخ درست کدام است؟

۱. لِمَاذَا طَلَّبَ صَاحِبُ الْمَرْعَةِ الْمُسَاعَدَةَ؟ جِرا صاحب مزرعه كمى خواست؟

برای مهمانی زیر درخت
لِلضِّيَافَةِ تَحْتَ الشَّجَرَةِ

برای جمع کردن محصول گندم
لِجَمْعِ محصول القمح

۲. مَتَى يَفْقَدُ الْإِنْسَانُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ؟ چه زمانی انسان قادر به هر چیزی (کاری) می شود؟

زمانیکه به خودش اعتماد می کند
عِنْدَمَا يَعْتَمِدُ عَلَى نَفْسِهِ.

زمانیکه اعتماد می کند به دیگران
عِنْدَمَا يَعْتَمِدُ عَلَى الْآخَرِينَ.

۳. فِي أَيِّ يَوْمٍ خَافَتْ أُمُّ الْفَرَاخِ مِنْ صَاحِبِ الْمَرْعَةِ؟ در کدام روز مادر جوجه ها از صاحب مزرعه ترسید؟

زمانی که خودش به جمع کردن گندم شروع کرد
عِنْدَمَا بَدَأَ بِجَمْعِ المحصولِ بِنَفْسِهِ.

زمانی که از خویشاوندانش كمى خواست
عِنْدَمَا طَلَّبَ الْمُسَاعَدَةَ مِنْ أَقْرَبَائِهِ.

۴. كَمْ عَدَدَ الْفَرَاخِ؟ تعداد جوجه ها چندتاست؟

شش
سِتَّةَ

سه
ثَلَاثَةً

۵. هَلْ كَانَتْ الْمَرْعَةُ صَغِيرَةً؟ آیا مزرعه کوچک بود؟

نه بزرگ بود
لَا؛ كَانَتْ كَبِيرَةً.

بله کوچک بود
نَعَمْ؛ كَانَتْ صَغِيرَةً.



۲ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. ﴿أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ ^{سوم شخص جمع مذکر} یونس: ۵۵

بدان که وعده خدا حق است اما بیشتر آنها نمی دانند.

۲. هَذَا الْفَلَّاحُ يَزْرَعُ الرِّزَّ فِي الرَّبِيعِ. ^{سوم شخص جمع (مثنی مذكر)}

این دو کشاورز در بهار برنج می کارند

۳. أُولَئِكَ الْجَارَاتُ يَرْجِعْنَ مِنَ الضِّيَافَةِ. ^{سوم شخص جمع مونث}

آن همسایه ها از مهمانی بر می گردند.

۴. هَاتَانِ الطُّفْلَتَانِ تَلْعَبَانِ بَيْنَ الْأَشْجَارِ. ^{سوم شخص جمع (مثنی مونث)}

این دو (مونث) میان درختان بازی میکنند.

۵. هَاتَانِ الْجَارَتَانِ تَذْهَبَانِ إِلَى الضِّيَافَةِ. ^{سوم شخص جمع (مثنی مونث)}

این دو همسایه (مونث) به مهمانی می روند

۶. إِلَى أَيْنَ تَذْهَبَانِ، أَيَّتَهُمَا الْجَارَتَانِ؟ ^{دوم شخص جمع}

به کجا می روید ای دو همسایه (همسایه ها)



جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



تَخْدِمُ هَؤُلَاءِ الْمُجَاهِدَاتُ لِنَصْرِ وَطَنِهِنَّ.

این رزمندگان برای پیروزی و وطنشان خدمت می کنند



يَكْتُبُ أَوْلِيَاكَ الْمُجَاهِدُونَ رِسَائِلَ.

آن رزمندگان نامه‌هایی را می نویسند



- ماذا يَجْمَعَانِ؟

- يَجْمَعَانِ الْبُرْتُقَالَ.

چه چیزی جمع می کنند؟ پرتقال جمع می کنند



- ماذا يَزْرَعُونَ؟

- يَزْرَعُونَ الْقَمْحَ.

چه چیزی می کارند؟ گندم می کارند

٤ اَلتَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

ترجمه کنید.

ما رَجَعُوا	برنگشتند	لَا يَرْجِعُونَ	بر نمی گردند	مضارع منفی سوم ش جمع
قَدَرَا	توانستند	يَقْدِرَانِ	می توانند	مضارع سوم ش جمع
يَصْدُقْنَ	راست می گویند	صَدَقْنَ	راست گفتند	ماضی سوم ش جمع
يَأْمُرَانِ	دستور می دهند	سَوْفَ يَأْمُرَانِ	دستور خواهند داد	مضارع سوم ش جمع
مَا نَنْظُرُنَّ	نگاه نکردید	لَا تَنْظُرْنَ	نگاه نمی کنید	ماضی منفی دوم ش جمع

٥ اَلتَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- هاتان البتان العاقلتان واجبهما.
این دو دختر عاقل تکالیفشان را می نویسند
- أَطَالَتْ سَبَّ إِلَى الصُّفُوفِ غَدًا.
دانش آموزان فردا به کلاس ها بر می گردند
- الْمُسَافِرَانِ إِلَى الْفُنْدُقِ أَمْسٍ.
مسافران دیروز به هتل رفتند
- أَطَالِيَّاتٌ حَوْلَ عِلْمِ الْكِيمِيَاءِ.
دانش آموزان درباره علم شیمی سوال می کنند (می پرسند)

می نویسند	تَكْتُبُونَ	می نویسید	تَكْتُبُونَ
برگشتند	رَجَعُوا	بر می گردند	يَرْجِعُونَ
رفتند	ذَهَبُوا	می روید	تَذْهَبُونَ
می پرسند	يَسْأَلُونَ	می پرسید	يَسْأَلُونَ

٦ اَلتَّمَرِينُ السَّادِسُ:

در گروه های دو نفره مکالمه کنید.

لَا (خیر)	١. هَلْ عَشُّ عَصْفُورٍ فِي مَدْرَسَتِكُمْ (مَدْرَسَتِكُنَّ)؟ آیا لانه گنجشک در مدرسه شماست؟
ثَمَانِيَةٌ (شب)	٢. كَمْ مُعَلِّمًا عِنْدَكَ؟ (كَمْ مُعَلِّمَةً عِنْدَكَ؟) چند معلم داری؟
لِلتَّعْلَمِ (برای یادگیری)	٣. لِمَاذَا تَحْضُرُ (تَحْضُرِينَ) فِي الْمَدْرَسَةِ؟ برای چه در مدرسه حاضر می شوی؟
بَعْدَ ظَهْرٍ (بعد ظهر)	٤. مَتَى تَرْجِعُ (تَرْجِعِينَ) إِلَى الْبَيْتِ؟ کی به خانه برمی گردی؟
فِي الْبَيْتِ (در خانه)	٥. أَيْنَ تَأْكُلُ (تَأْكُلِينَ) الطَّعَامَ؟ کجا غذا می خوری؟

ساختر درس عربی دوم تا چهارم

فارسی	عربی	فارسی	عربی
ما می شنویم	نَحْنُ نَسْمَعُ	من می شنوم	أَنَا أَسْمَعُ
شما می شنوید	أَنْتُمْ تَسْمَعُونَ أَنْتُنَّ تَسْمَعْنَ أَنْتُمْ تَسْمَعَانِ	تو می شنوی	أَنْتَ تَسْمَعُ أَنْتِ تَسْمَعِينَ
آنها می شنوند	هُمْ يَسْمَعُونَ هُنَّ يَسْمَعْنَ هُمَا يَسْمَعَانِ هُمَا تَسْمَعَانِ	او می شنود	هُوَ يَسْمَعُ هِيَ تَسْمَعُ

نور السماء

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ﴾ يوسف: ۴

همانا من 11 ستاره و خورشید و ماه را در حالی که بر من سجده کرده بودند، دیدم.

۲. ﴿لِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ المُنَافِقُونَ: ۸

بزرگی از آن خدا و پیامبرش و مؤمنان است اما منافقان نمی دانند

۳. ﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾ آل عمران: ۶۵

کسی که در آسمانها و زمین است غیب را نمی داند به جز خدا.

۴. ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ الحجرات: ۱۰

قطعا مؤمنان برادرند





۱. ماهو أَوَّلُ مَكَانٍ نَزَلَ فِيهِ الْقُرْآنُ الْكَرِيمُ؟

اولین، مکانی که در آن قرآن کریم نازل شد، چیست؟

- غَارُ جِرَاءِ فِي مَكَّةَ الْمُكَرَّمَةِ.

غار حرا در مکه مکرمه



۲. أَيُّ سُورَةٍ مَعْرُوفَةٌ بِـ «أُمِّ الْقُرْآنِ»؟

کدام سوره معروف به «أم القرآن» مادر قرآن است؟

- سُورَةُ الْحَمْدِ.

سوره حمد



۳. مَنْ هُوَ أَوَّلُ مَقْتُولٍ فِي الْأَرْضِ وَلِمَاذَا؟

اولین کشته شده در زمین کیست و چرا؟

- إِنَّهُ هَابِيلُ، وَهُوَ مَقْتُولٌ بِسَبَبِ حَسَدِ أَخِيهِ قَابِيلِ.

او هابیل است، و او کشته شد به علت حسادت به برادرش قابیل

۰۹۲۱۹۱۰۱۸۶۸

تهیه و تنظیم: میلاد عیوضی سرگروه عربی استان اردبیل

Arabi_7_8_9

کانال عربی متوسطه عیوضی



درس نهم

الدَّرْسُ التَّاسِعُ

أَبْشَارُهَايَ زَيْبَا

شَلَالَاتٌ جَمِيلَةٌ



الدَّرْسُ التَّاسِعُ

الْمُعْجَم: واژه‌نامه (۲۳ کلمه جدید)

عَشَاء	شام	جمع مکسر	أَزْهَار	شکوفه‌ها، گُل‌ها «مفرد: زَهْر، زَهْرَة» گل/شکوفه
عَدَاء	ناهار	جمع مکسر	أَسْنَان	دندان‌ها «مفرد: سِن» دندان
عَفَرُ يَغْفِرُ	آمرزید می‌آمرزد	جمع مکسر	الَّذِينَ	کسانی که
فُرْشَاة	مسواک	جمع مکسر	أَوْلِيَاء	یاران «مفرد: وَلِيٌّ» یار
فِضِّي	نقره‌ای		يَم	با چه چیزی «ب + ما»
فَطُور	صبحانه		حُسْنِي	نیکوتر، نیکو الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى: نام‌های نیکو
مُحَافَظَة	استان		ذَنْب	گناه «جمع: ذُنُوب» گناهان
مَسْمُوح	مجاز ≠ مَمْنُوع	عدد ترتیبی	السَّابِعُ، السَّابِعَة	هفتم سَبْعَة: هفت
مَطْعَم	غذاخوری، رستوران «جمع: مَطَاعِم» رستوران‌ها	عدد ترتیبی	الْسادِسُ، الْسادِسَة	ششم سِتَّة: شش
مَعْجُونُ أَسْنَان	خمیر دندان		شاي	چای
مَلْعَب	زمین بازی، ورزشگاه «جمع: مَلَاعِب» ورزشگاه‌ها		شَلَال	آبشار «جمع: شَلالات» آبشارها
مِثْشَقَة	حوله			

السَّفَرَةُ الْعِلْمِيَّةُ

سفر (گردش) علمی



طَالِبَاتُ الْمَدْرَسَةِ مَسْرُورَاتٌ؛ لِأَنَّهُنَّ سَوَفَ يَذْهَبْنَ
دانش آموزان مدرسه خوشحالند زیرا آنها خواهند رفت
لِسَفَرَةِ عِلْمِيَّةٍ مِنْ شِيرَازَ إِلَى يَاسُوجَ.
برای گردش علمی از شیراز به یاسوج
الْمُدِيرَةُ: سَنَذْهَبُ إِلَى سَفَرَةِ عِلْمِيَّةٍ يَوْمَ الْخَمِيسِ
مدیر: پنجشنبه هفته آینده به گردش علمی خواهیم رفت
فِي الْأُسْبُوعِ الْقَادِمِ.

عَلَيْكُنَّ بِمُرَاعَاةِ بَعْضِ الْأُمُورِ:
شما باید بعضی از کارها را رعایت کنید
- تَهْيِئَةُ الْمَلَابِيسِ الْمُنَاسِبَةِ؛ لِأَنَّ الْجَوَّ فِي يَاسُوجَ
تهیه لباسهای مناسب، زیرا هوا در یاسوج سرد است.
بَارِدٌ.

- تَهْيِئَةُ مَنْشَفَةٍ صَغِيرَةٍ وَ كَبِيرَةٍ وَ فُرْشَاةٍ وَ مَعْجُونِ
تهیه حوله کوچک و بزرگ و مسواک و خمیردندان.
أَسْنَانٍ.

- الْحُضُورُ فِي سَاحَةِ الْمَدْرَسَةِ فِي السَّاعَةِ السَّابِعَةِ
حضور در حیاط مدرسه در ساعت ۷ صبح
صَبَاحًا.

الطَّالِبَاتُ يَسْأَلْنَ الْمُدِيرَةَ:

دانش آموزان از مدیر میپرسند:
الْأُولَى: يَا سَيِّدَتِي، إِلَى أَيْنَ نَذْهَبُ؟

اولی: خانم، به کجا می رویم؟

الْمُدِيرَةُ: إِلَى يَاسُوجَ وَ حَوْلِهَا.

مدیر: به سوی یاسوج و اطراف آن.

فِي هَذِهِ الْمَحَافِظَةِ غَابَاتٌ وَ أَنْهَارٌ وَ [أَنْهَارٌ]

در این استان جنگلهای و رودها و شکوفه ها

وَ بَسَاتِينٌ وَ عُيُونٌ وَ شَلالاتٌ جَمِيلَةٌ.

و باغها و چشمه ها و آبشارهای زیبایی است

الْثَّانِيَةُ: كَمْ يَوْمًا نَبْقَى؟

دومی: چند روز می مانیم؟

الْمُدِيرَةُ: ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنَ الْخَمِيسِ إِلَى السَّبْتِ.

خانم مدیر: سه روز از پنجشنبه تا شنبه.



الثَّالِثَةُ: مَتَى نَرْجِعُ؟
 سومي: کی برمی گردیم؟
 الرَّابِعَةُ: بَمَ نَذْهَبُ إِلَى هُنَاكَ؟
 چهارمی: با چه چیزی به آنجا می رویم؟
 الْخَامِسَةُ: أَيْنَ نَأْكُلُ الْفُطُورَ وَالْعَدَاءَ وَالْعِشَاءَ؟
 پنجمی: کجا صبحانه و ناهار و شام می خوریم؟
 الْمُدِيرَةُ: فِي مَطْعَمٍ نَظِيفٍ وَجَيِّدٍ.
 مدیر: در رستورانی تمیز و خوب.
 السَّادِسَةُ: هَلِ الْجَوَالُ مَسْمُوحٌ لَنَا؟
 ششمی: آیا تلفن همراه برای ما مجاز است؟
 السَّابِعَةُ: أَيْنَ نَبْقَى لِلِاسْتِرَاحَةِ؟
 هفتمی: برای استراحت کجا می مانیم؟
 الثَّمَانَةُ: هَلْ هُنَاكَ مَلْعَبٌ؟
 هشتمی: آیا آنجا ورزشگاه هست؟
 فَرِحَ الْجَمِيعُ لِهَذِهِ السَّفَرَةِ الْجَمِيلَةِ.
 همگی برای این گردش زیبا خوشحال شدند.

فعل مضارع

انجام دادند

أَفْعَلُ الْمُضَارِعُ ← (يَفْعَلُونَ، يَفْعَلْنَ، يَفْعَلَانِ، تَفْعَلَانِ)



ماذا يَفْعَلْنَ؟

هُنَّ يَسْمَعْنَ الْقُرْآنَ.

چه کار می کنند؟

به قرآن گوش می دهند.

ماذا يَفْعَلُونَ؟

هُمْ يَسْمَعُونَ الْقُرْآنَ.

چه کار می کنند؟

به قرآن گوش می دهند.



ماذا تَفْعَلَانِ؟

هُمَا تَجْمَعَانِ وَرَقَ الشَّايِ.

چه کار میکنند؟

برگ چای را جمع میکنند.

ماذا يَفْعَلَانِ؟

هُمَا يَجْمَعَانِ الْأَزْهَارَ.

چه کار میکنند؟

شکوفه ها را جمع میکنند.

پرسش و پاسخ با کلمه پرسشی «كَيْفَ: چگونه»: **چطور** هم ترجمه می شود

۱. **كَيْفَ** حَالُكَ؟ أَنَا بِخَيْرٍ. **حالت چگونه است؟ من خوبم**

۲. **كَيْفَ** وَصَلْتَ؟ بِسُرْعَةٍ. **چگونه رسیدی؟ به سرعت**



كَيْفَ تَسْأَلُ الطَّالِبَةَ؟

تَسْأَلُ مَسْرُورَةً.

دانش آموز چگونه سوال میپرسد؟

با خوشحالی سوال میپرسد

كَيْفَ يَخْرُجُ الْوَلَدُ مِنَ الصَّفِّ؟

يَخْرُجُ سَرِيعًا.

پسر چگونه از کلاس خارج میشود؟

به سرعت خارج میشود

نکته: **عِنْدَ وِ لِ** در ابتدای جمله معنای مالکیت (دارم، داری، دارد، ..) می دهد

گاهی کلمه «عِنْدَ: نزد» یا «لِ، لَ: برای» برای مالکیت به کار می رود؛ مثال:

لِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى ﴿١﴾ خدا نام‌های نیکو دارد.	لَنَا مَكْتَبَةٌ وَاسِعَةٌ. کتابخانه‌ای وسیع داریم.
عِنْدَكَ صَدِيقٌ صَادِقٌ. دوستی راستگو داری.	عِنْدَكُمْ بَيْتٌ كَبِيرٌ. خانه‌ای بزرگ دارید.
لِأُمِّي عِبَاءَةٌ جَمِيلَةٌ. مادرم چادری زیبا دارد.	لَهُمْ حَدِيقَةٌ صَغِيرَةٌ. باغی کوچک دارند.

اکنون این گفت‌وگوها را ترجمه کنید.



هَلْ عِنْدَكَ مُعْجَمُ الْعَرَبِيَّةِ؟

نَعَمْ؛ عِنْدِي.

آیا لغت نامه عربی داری؟

بله دارم.

هَلْ عِنْدَكَ قَلَمٌ أَزْرَقُ؟

لَا؛ عِنْدِي قَلَمٌ أَخْضَرُ.

آیا خودکار آبی داری؟

نه؛ خودکار سبز دارم.

الْتَّمَارِين

١. الْتَّمَارِينُ الْأَوَّلُ:

با مراجعه به متن درس به پرسش‌های زیر پاسخ کوتاه دهید.

١. مَتَى تُسَافِرُ الطَّالِبَاتُ إِلَى مَدِينَةِ يَاسُوجٍ؟ يَوْمَ الْخَمِيسِ

چه وقت دانش آموزان به شهر یاسوج سفر می کنند؟ روز پنجشنبه

٢. هَلِ الْجَوَّالُ مَسْمُوحٌ فِي السَّفَرَةِ؟ نَعَمْ

آیا تلفن همراه در سفر مجاز است؟ بله

٣. مِنْ أَيِّ مُحَافَظَةِ الطَّالِبَاتُ؟ مِنْ مُحَافَظَةِ شِيرَازِ

دانش آموزان از کدام استان هستند؟ از استان شیراز

٤. إِلَى أَيْنَ تَذْهَبُ الطَّالِبَاتُ؟ إِلَى يَاسُوجٍ

دانش آموزان به کجا می روند؟ به یاسوج

٥. بِمَ يَذْهَبْنَ إِلَى السَّفَرَةِ؟ بِالْحَافِلَةِ

با چه چیزی به گردش می روند؟ با اتوبوس

٦. كَيْفَ الْجَوُّ فِي يَاسُوجٍ؟ بَارِدٌ

هوای یاسوج چگونه است؟ سرد است

٧. كَمْ يَوْمًا هَذِهِ السَّفَرَةُ؟ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ

این سفر چند روز است؟ سه روز



٢ التَّمَرِينُ الثَّانِي:

جمله‌های زیر را با توجه به تصویر ترجمه کنید.



أُولَئِكَ الطَّالِبَاتُ يَذْهَبْنَ إِلَى سَفَرَةٍ.
آن دانش آموزان به سفر می روند



أُولَئِكَ الطُّلَابُ يَذْهَبُونَ إِلَى سَفَرَةٍ.
آن دانش آموزان به سفر می روند



هَاتَانِ الطَّالِبَتَانِ تَخْرُجَانِ مِنْ صَفَّهِمَا.
این دو دانش آموز از کلاسشان
خارج می شوند



هُذَانِ الطَّالِبَانِ يَخْرُجَانِ مِنْ صَفَّهِمَا.
این دو دانش آموز از کلاسشان
خارج می شوند

۳ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

جمله‌های زیر را ترجمه کنید؛ سپس زیر فعل مضارع خط بکشید.

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ﴾ ^{سوم شخص جمع مذکر} ^{سوم شخص جمع مذکر} یونس: ۴۴

قطعا خداوند به مردم در چیزی ظلم نمیکند اما مردم خودشان ستم میکنند.

۲. ﴿... وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ ...﴾ ^{سوم شخص جمع مذکر} آل عمران: ۲

و دیدی (می بینی) که مردم در (به) دین خدا وارد میشوند.

۳. الْمُؤْمِنُونَ يَصْدُقُونَ وَلَا يَكْذِبُونَ فِي الْحَيَاةِ. ^{سوم شخص جمع مذکر}

مؤمنان در زندگی راست می گویند و دروغ نمی گویند.

۴. الْأَخْتَانِ سَمِعَتَا كَلَامَ الْمُعَلِّمَةِ وَهُمَا تَعْمَلَانِ بِهِ. ^{سوم شخص جمع (مثنی مونث)}

دو خواهر حرف معلم را شنیدند و آنها به آن عمل میکنند.

۵. عِنْدَنَا طَعَامٌ كَثِيرٌ لِلْعَشَاءِ عَلَى الْمَائِدَةِ؛ نَأْكُلُهُ مَعًا. ^{اول شخص جمع}

برای شام در سفره غذای زیادی داریم؛ آن را با هم می خوریم.

۴ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

- | | | |
|-------------------|-------------------|--|
| حوله | مسواک | ۱. شَيْءٌ لِحِفْظِ صِحَّةِ الْأَسْنَانِ: |
| ○ الْمُنْشَفَةُ | ✓ الْفُرْشَةُ | ۲. مَجْمُوعَةٌ مِنَ الْمُدُنِ: |
| ○ كِتَابْخَانَةٌ | ✓ الْمَحَافِظَةُ | ۳. سَبَبُ جَمَالِ الرَّبِيعِ: |
| ○ الْمَكْتَبَةُ | ○ خَمِيرٌ | ۴. دَلِيلُ زِينَتِي بِهِ: |
| ○ شَيْكُوفُهُ هَا | ○ الْمَعْجُونُ | ۵. طَعَامُ الصَّبَاحِ: |
| ✓ الْأَزْهَارُ | ○ فَرْدٌ | ○ غِذَاءُ صَبِيحٍ |
| ○ صَبْحَانَةٌ | ○ الْغَدَاءُ | ○ بَيْتُ الطَّائِرِ: |
| ✓ الْفُطُورُ | ○ دَرْمَانْجَاهُ | ○ خانۀ پرنده |
| ○ لَانَهُ | ○ الْمُسْتَوْصَفُ | |
| ✓ الْعَشُ | | |

۵ التَّمَرِينُ الْخَامِسُ:

در گروه‌های دو نفره مطالعه کنید.

الْحَمْدُ لِلَّهِ، هُمَا بَخِيرٌ خدا را شکر، آنها خوب هستند	۱. كَيْفَ حَالُ الْوَالِدَيْنِ؟ حال پدر و مادر چطور است؟
لِلدِّرَاسَةِ برای درس خواندن	۲. لِمَاذَا أَنْتَ (أَنْتِ) هُنَا؟ برای چه تو اینجا ای؟
لِأَمَدِينَةِ كَرَجٍ قَرِيبَةٍ نه، شهر کرج نزدیک است	۳. أَمَدِينَةِ كَرَجٍ بَعِيدَةٍ عَنْ طَهْرَانَ؟ آیا شهر کرج از تهران دور است؟
نَعَمْ عِنْدِي بله دارم	۴. هَلْ عِنْدَكَ (عِنْدَكِ) مُعْجَمُ الْعَرَبِيَّةِ؟ آیا لغت نامه عربی داری؟
ذَهَبْتُ إِلَى مُحَافَظَةِ أَرْدَبِيلَ به استان اردبیل	۵. إِلَى أَيْنَ ذَهَبْتَ (ذَهَبْتِ) فِي أَيَّامِ نَوْرُوزٍ؟ در روزهای عید نوروز کجا رفتی؟

۶ التَّمَرِينُ السَّادِسُ:

زیر هر تصویر نام آن را به عربی بنویسید: «سه کلمه اضافه است.»
 اتوبوس چای آبشار نیرو حوله مسواک کبوتر پول ها شکوفه ها انگشتر
 حافله شای - شلال - بطاقة - منشفة - فرشاة - حمامة - نقود - أزهار - خاتم -
 لانه گنجشک موکب جوجه ها اسب
 عَش - عَصْفُور - مَوَكِب - فِرَاح - فَرَس



حافلة



فراخ



شلال



شای



عشّ



ازهار



خاتم



مِنْشَفَة



فُرْشاة



عُصْفُور



حَمَامَة



فَرَس

۷. التَّمَرِينُ السَّابِعُ:

در جدول کلمات مناسب بنویسید؛ سپس رمز را پیدا کنید.

ثالث - خائف - عندهم - مسموح - حدث - غداء - هناك - أقدام - ملاعب - منشقة -
عصفور - يصدق - سادس - شاي - شلال - محافظة

رمز ↓

	ث	د	ح	۱	
ح	و	م	س	م	۲
م	ه	د	ن	ع	۳
		ء	ا	د	غ
	ث	ل	ا	ث	۵
ف	ئ	ا	خ	۶	
ب	ع	ا	ل	م	۷
م	ا	د	ق	ا	۸
	ك	ا	ن	ه	۹
	ق	د	ص	ی	۱۰
	ر	و	ف	ص	ع
ة	ظ	ف	ا	ح	م
	ل	ا	ل	ش	۱۳
		س	د	ا	س
			ی	ا	ش
ة	ف	ش	ن	م	۱۶

۱. اتفاق افتاد **حَدَّثَ**

۲. مُجاز **مَسْمُوح**

۳. دارند **عِنْدَهُمْ**

۴. ناهار **غَدَاء**

۵. سوم **ثَالِث**

۶. ترسیده **خَائِف**

۷. ورزشگاه‌ها **مَلَاعِب**

۸. پاها **أَقْدَام**

۹. آنجا **هُنَاكَ**

۱۰. راست می‌گوید **يَصْدُقُ**

۱۱. گنجشک **عُصْفُور**

۱۲. استان **مُحَافَظَة**

۱۳. آبشار **شَلَال**

۱۴. ششم **سَادِس**

۱۵. چای **شَاي**

۱۶. حوله **مِنْشَقَة**

رمز: « **حُسْنُ الْخُلُقِ نِصْفُ الدِّينِ** » . رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خوش اخلاقی نیمی از دین است.

ساختار درس دوم تا نهم

عربی	فارسی	عربی	فارسی
أَنَا أَجْلِسُ.	من می‌نشینم.	نَحْنُ نَجْلِسُ.	ما می‌نشینیم.
أَنْتَ تَجْلِسُ.	تو می‌نشینی.	أَنْتُمْ تَجْلِسُونَ.	شما می‌نشینید.
أَنْتِ تَجْلِسِينَ.		أَنْتُنَّ تَجْلِسْنَ.	
أَنْتُمَا تَجْلِسَانِ.		أَنْتُمَا تَجْلِسَانِ.	
هُوَ يَجْلِسُ.	او می‌نشیند.	هُمْ يَجْلِسُونَ.	آنها می‌نشینند.
هِيَ تَجْلِسُ.		هُنَّ يَجْلِسْنَ.	
		هُمَا يَجْلِسَانِ.	
		هُمَا تَجْلِسَانِ.	

نور السماء

بخوانید و ترجمه کنید.

۱. ﴿... يَسْجُدُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَ

الْجِبَالُ وَالشَّجَرُ...﴾ ^{۱۸: ۲۱}

کسی که در آسمانها و زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درخت بر او سجده میکنند

۲. ﴿الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ﴾ ^{۹۶: ۲۱}

کسانی که با خدا، خدای دیگری قرار میدهند، خواهند دانست

۳. ﴿مُأَلَّا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ ^{۶۲: ۱۷}

بدانید که دوستان خدا ترسی ندارند و اندوهگین نمی شوند.

۴. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعاً...﴾ الزمر: ۴۰
 قطعاً خداوند همه گناهان را می بخشد.
۵. ﴿إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا﴾ القوه: ۴۰
 قطعاً خدا با ماست

تحقیق کنید نام چه حیواناتی در قرآن آمده است.

یک روزنامه دیواری در این باره تهیه کنید.



تحقیق کنید

- مفهوم رنگ بندی جدول زیر
- ضمیر منفصل
 - فعل مضارع
 - ضمیر متصل

یادگیری جدول زیر از ضروریات یادگیری زبان عربی است

نگاهی به فعل مضارع

فارسی	عربی
من تکلیفم را می نویسم. (اول شخص مفرد)	  أَنَا أَكْتُبُ وَأَجِبُ. ← ضمیر متصل أَنَا أَكْتُبُ (متکلم وحده) ← فعل مضارع أَجِبُ ← ضمیر منفصل
تو تکلیفت را می نویسی. (دوم شخص مفرد)	  أَنْتَ تَكْتُبُ وَأَجِبُكَ. أَنْتَ تَكْتُبُ (مفرد مذکر مخاطب) أَجِبُكَ (مفرد مؤنث مخاطب)
او تکلیفش را می نویسد. (سوم شخص مفرد)	  هُوَ يَكْتُبُ وَأَجِبُهُ. هُوَ يَكْتُبُ (مفرد مذکر غایب) أَجِبُهُ (مفرد مؤنث غایب)
ما تکلیفمان را می نویسیم. (اول شخص جمع)	  نَحْنُ نَكْتُبُ وَأَجِبْنَا. نَحْنُ نَكْتُبُ (متکلم مع الغير)

شما تکلیفتان را می نویسید.
(دوم شخص جمع)



أَنْتُمْ تَكْتُبُونَ وَاجِبَكُمْ. (جمع مذکر مخاطب)
أَنْتِ تَكْتُبِينَ وَاجِبَكُنَّ. (جمع مؤنث مخاطب)



أَنْتُمَا تَكْتُبَانِ وَاجِبَكُمَا. (مثنیٰ مذکر مخاطب)
(مثنیٰ مؤنث مخاطب)



ایشان تکلیفشان را می نویسند.
(سوم شخص جمع)



هُمْ يَكْتُبُونَ وَاجِبَهُمْ. (جمع مذکر غایب)
هُنَّ يَكْتُبْنَ وَاجِبَهُنَّ. (جمع مؤنث غایب)



هُمَا يَكْتُبَانِ وَاجِبَهُمَا. (مثنیٰ مذکر غایب)
(مثنیٰ مؤنث غایب)



فعل		ضمير			
مضارع	ماضي	متصل	منفصل		
 مذكر مؤنث	 مذكر مؤنث	 مذكر مؤنث	 مذكر مؤنث		
يَفْعَلُ تَفْعَلُ يَفْعَلَانِ تَفْعَلَانِ يَفْعَلُونَ يَفْعَلْنَ	فَعَلْتُ فَعَلْتَ فَعَلْنَا فَعَلْتَا فَعَلُوا فَعَلْنَ	هَا هُ هُمَا هُما هُنَّ هُمْ	هِيَ هُوَ هُمَا هُمَا هُنَّ هُمْ	مفرد مثنى جمع	هـ هـ هـ
تَفْعَلِينَ تَفْعُلُ تَفْعَلَانِ تَفْعَلَانِ تَفْعَلْنَ تَفْعَلُونَ	فَعَلْتِ فَعَلْتُ فَعَلْتُمَا فَعَلْتُمَا فَعَلْتُنَّ فَعَلْتُمْ	كِ كِ كُما كُما كُنَّ كُمْ	أَنْتِ أَنْتِ أَنْتُمَا أَنْتُمَا أَنْتُنَّ أَنْتُمْ	مفرد مثنى جمع	كـ كـ كـ
أَفْعُلُ نَفْعُلُ	فَعَلْتُ فَعَلْنَا	يِ نَا	أَنَا نَحْنُ	متكلّم وحده متكلّم مع الغير	

کانال عربی متوسطه عیوضی

کانال عربی متوسطه عیوضی

کانال عربی متوسطه عیوضی

کانال عربی متوسطه عیوضی

کانال آموزشی 0 تا 100 عربی



arabi_7_8_9

کانال عربی متوسطه عیوضی

کانال عربی متوسطه عیوضی

۰۹۲۱۹۱۰۱۸۶۸

تهیه و تنظیم: میلاد عیوضی سرگروه عربی استان اردبیل

Arabi_7_8_9

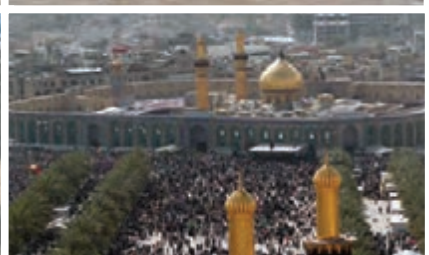
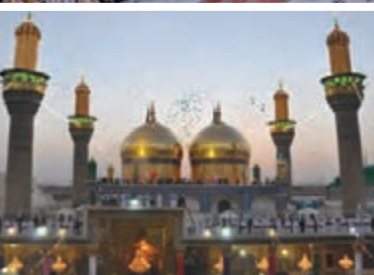
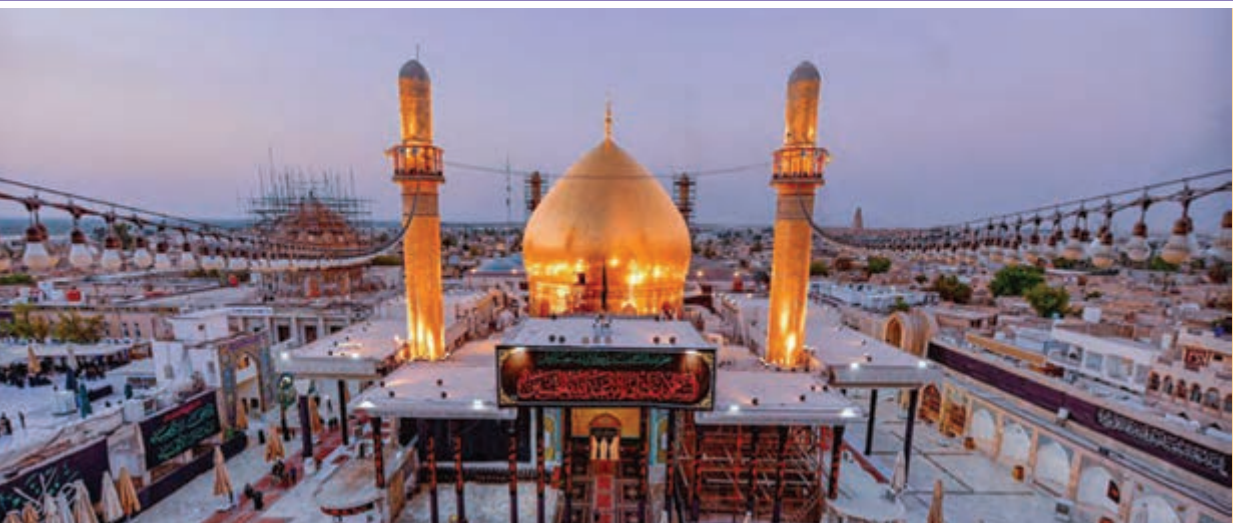
کانال عربی متوسطه عیوضی



درس دهم

الدَّرْسُ الْعَاشِرُ

الْمَرَاقِدُ الدِّينِيَّةُ
آرامگاه های دینی



الدَّرْسُ العَاشِرُ

الْمُعْجَم: واژه نامه (۵ کلمه جدید)

عدد ترتیبی	التَّاسِعَ، التَّاسِعَةَ	نهم	عدد ترتیبی	الْحَادِي عَشَرَ، الْحَادِيَةَ عَشْرَةَ	یازدهم
عدد ترتیبی	الثَّانِي عَشَرَ، الثَّانِيَةَ عَشْرَةَ	دوازدهم	عدد ترتیبی	الْعَاشِرَ، الْعَاشِرَةَ	دهم
	تَمَر	خرما			

آرامگاه های دینی

الْمَرَقَدُ الدِّينِيَّةُ *



مَرَقَدُ الْإِمَامِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ؛
مرقد امام اول (ع) در نجف اشرف است



وَمَرَقَدُ الْإِمَامِ الثَّانِي وَالرَّابِعِ وَالْخَامِسِ وَ
السَّادِسِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْبَقِيعِ الشَّرِيفِ؛
و مرقد امام دوم و چهارم و پنجم و
ششم (ع) در بقیع شریف است

* از مکان مرقد های شریف در ارزشیابی سؤال طرح نمی شود.



وَمَرْقَدُ الْإِمَامِ **الثَّالِثِ** عليه السلام فِي كَرْبَلَاءَ؛
و مرقد امام سوم (ع) در کربلاست.



وَمَرْقَدُ الْإِمَامِ **السَّابِعِ** عليه السلام وَ **التَّاسِعِ** عليه السلام فِي الْكَاظِمِيَّةِ؛
و مرقد امام هفتم و نهم (ع) در کاظمین است.



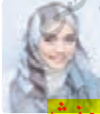
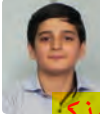
وَمَرْقَدُ الْإِمَامِ **الثَّامِنِ** عليه السلام فِي مَشْهَدَ
مُحَافَظَةِ خِرَاسَانَ الرَّضَوِيَّةِ؛
و مرقد امام هشتم در مشهد
در استان خراسان رضوی است.



وَمَرْقَدُ الْإِمَامِ **الْعَاشِرِ** وَ **الْحَادِي عَشَرَ** عليه السلام فِي سَامَرَاءَ؛
و مرقد امام دهم و یازدهم (ع) در سامرا است

و الْإِمَامُ **الثَّانِي عَشَرَ** عليه السلام حَيٌّ غَائِبٌ عَنِ النَّظَرِ.
و امام دوازدهم (عج) زنده و از دید غایب است.

الأعدادُ التَّرتیبیَّةُ اعدادی هستند که ترتیب و جایگاه را مشخص می کنند

			
مؤنث	مذکر	مؤنث	مذکر
السَّابِعَة	السَّابِع	الأُولَى	الأَوَّل
	هفتم		اول
الثَّامِنَة	الثَّامِن	الثَّانِيَة	الثَّانِي
	هشتم		دوم
التَّاسِعَة	التَّاسِع	الثَّالِثَة	الثَّالِث
	نهم		سوم
العَاشِرَة	العَاشِر	الرَّابِعَة	الرَّابِع
	دهم		چهارم
الحَادِيَة عَشْرَة	الحَادِي عَشَرَ	الخَامِسَة	الخَامِس
	یازدهم		پنجم
الثَّانِيَة عَشْرَة	الثَّانِي عَشَرَ	السَّادِسَة	السَّادِس
	دوازدهم		ششم

التمارين

١ التَّمَرِینُ الْأَوَّلُ:

گزینه مناسب را انتخاب کنید.

١. لِلْفَائِزِ جَائِزَةٌ ذَهَبِيَّةٌ.
 - الأول
 - الرابع
٢. الشَّهْرُ فِي السَّنَةِ شَهْرُ بَهْمَنَ.
 - الحَادِي عَشَرَ
 - الثَّانِي عَشَرَ
٣. الْفَصْلُ الثَّلَاثُ فِي السَّنَةِ، فَصْلٌ
 - الربيع
 - الخريف
٤. الْيَوْمُ السَّادِسُ فِي الْأُسْبُوعِ يَوْمٌ
 - الأحد
 - الخميس
٥. نَحْنُ فِي هَذِهِ السَّنَةِ فِي الصَّفِّ
 - الثَّامِن
 - السَّابِع

الْتَمَرِينُ الثَّانِي:

جمله زیر را ترجمه کنید.

أَلْفَاكِهَةُ الْأُولَى رُمَانٌ وَ الثَّانِيَةُ عِنَبٌ وَ الثَّالِثَةُ تَفَاحٌ وَ الرَّابِعَةُ مَوْزٌ وَ الْخَامِسَةُ
بُرْتَقَالٌ وَ السَّادِسَةُ تَمْرٌ.

میوه اول انار و دومی انگور و سومی سیب و چهارمی موز و پنجمی پرتقال و ششمی خرما است.



۳



۲



۱



۶



۵



۴

۳ التَّمَرِينُ الثَّالِثُ:

هر توضیح را به کلمهٔ مربوط به آن وصل کنید.

لغت نامه	اَلْمُعْجَم	۱. لُغَةٌ عَالَمِيَّةٌ فِي مُنَظَّمَةِ الْأُمَمِ الْمُتَّحِدَةِ: زبان بین المللی در سازمان ملل متحد
عربی	اَلْعَرَبِيَّةُ	۲. فَصْلُ الْأَزْهَارِ وَ بَدَايَةُ فُصُولِ السَّنَةِ: فصل شکوفه ها و آغاز فصلهای سال
بهار	اَلرَّبِيعُ	۳. كِتَابٌ يَشْرَحُ مَعَانِيَ الْكَلِمَاتِ: کتابی که معنی کلمات را شرح میدهد
مسجد	اَلْمَسْجِدُ	۴. قَطْرَاتٌ جَارِيَةٌ مِنَ الْعَيْنَيْنِ: قطره های جاری از چشم
اشک ها	اَلدُّمُوعُ	۵. مَكَانُ الصَّلَاةِ عِنْدَ الْمُسْلِمِينَ: نماز خانه نزد مسلمانان
سال	اَلسَّنَةُ	۶. طَعَامٌ نَأْكُلُهُ فِي الصَّبَاحِ: غذایی که صبح میخوریم
صبحانه	اَلْفُطُورُ	۷. مَكَانُ لِفَحْصِ الْمَرْضَى: مکان معاینه بیماران
درمانگاه	اَلْمُسْتَوْصَفُ	۸. اِثْنَا عَشَرَ شَهْرًا: دوازده ماه

۴ التَّمَرِينُ الرَّابِعُ:

جمله های هماهنگ عربی و فارسی را به هم وصل کنید.

5	تن آدمی شریف است به جان آدمیت نه همین لباس زیباست نشان آدمیت	1 خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا. بهترین کارها، میانه ترین آنهاست
3	عالم بی عمل به چه ماند؟ به زنبور بی عسل.	2 سُكُوتُ اللِّسَانِ سَلَامَةٌ الْإِنْسَانِ. سکوت زبان، سلامتی انسان است
4	درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد؛ نهال دشمنی برکن که رنج بی شمار آرد.	3 اَلْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. دانشمند بدون عمل مانند درخت بدون میوه است
1	اندازه نگه دار که اندازه نکوست؛ هم لایق دشمن است و هم لایق دوست.	4 مَن زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ. هر کس دشمنی بکارد زیان درو می کند
2	زبان سرخ سرسبز می دهد بر باد.	5 زِينَةُ الْبَاطِنِ خَيْرٌ مِنْ زِينَةِ الظَّاهِرِ. زیبایی درون بهتر از زیبایی ظاهر است



نکته: اعداد ترتیبی به کار رفته در ساعت خوانی، باید بصورت عدد اصلی ترجمه شود

۵ التَّمْرِینُ الْخَامِسُ:

عقربه‌های هر ساعت را رسم کنید.



الْعَاشِرَةُ.

ده



الرَّابِعَةُ.

چهار



الْخَامِسَةُ.

پنج



الْحَادِيَّةُ عَشْرَةٌ.

یازده



الثَّانِيَّةُ.

دو



الْوَحْدَةُ.

یک



التَّاسِعَةُ.

نه



السَّابِعَةُ.

هفت



السَّادِسَةُ.

شش

۱. ساعت خوانی در زبان عربی، با عدد ترتیبی مؤنث است.

ای دوستان

به پایان سال تحصیلی رسیدیم

در پناه خدا

به امید دیدار در کلاس نهم

خدا شما را حفظ کند

به سلامت



arabi_7_8_9